

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۹

هزار و سیصد و نود - نیمسال اول

مقالات

- داوری‌های مختلط در قواعد جدید داوری اتاق بین‌المللی بازرگانی
 - مفهوم طلاق و موجبات آن در حقوق ایران و انگلیس
 - فواید جبران خسارات هسته‌ای بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی
 - حمایت از طب سنتی با تمسک به آیات قرآنی و مبانی فقهی
 - تزامن و توازن حقوق فرد و جامعه در دادرسی‌های کیفری
 - مفهوم نمایندگی در مجلس اول
- موضوع ویژه: یکصد و پنج سال تجربه قانون‌گذاری در ایران در بوته نقد
- نظارت مراجع صیانت از قانون اساسی بر تضمین اصل شفافیت قوانین
 - چالش‌های قانون‌گرایی: اعتبار و پایایی قانون
 - نسبت میان حاکمیت قانون و حاکمیت شرع در نظام حقوقی مشروطه
 - جایگاه تشبیه در تدوین قوانین
 - جستاری بر مبانی نظری تقنین آزمایشی
 - رویکرد قانون‌گذاری به قراردادهای الکترونیکی
 - سنجش قدرت قوانین ثبت اختراع ایران با تأکید بر قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶
- ## نقد و معرفی
- در نام‌گذاری حقوق جنائی
 - تحقق رؤیای نظارت قضائی بر قطعنامه‌های شورای امنیت: تأملی بر رأی دیوان دادگستری اروپا در قضیه «فولمن» و «محمودیان»





در نام‌گذاری حقوق جنائی

دکتر قاسم محمدی*

چکیده: آن شاخه از حقوق که متکفل بحث از جرم و مجازات است، گاه حقوق جزائی، گاه حقوق کیفری و گاه حقوق جنائی نامیده شده است. نام اخیر مبتنی بر بررسی جرم و دو نام دیگر مبتنی بر بررسی مجازات‌ها برگزیده شده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به اشکال معنایی واژه جزائی و ناکارآمدی واژه کیفری از پوشش دادن مجموع محتوای این شاخه از حقوق اصطلاح حقوق جنائی برای یاد کرد از این حوزه مطالعاتی مناسب‌تر باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق جزائی (جزا)، حقوق کیفری، حقوق جنائی، نام‌گذاری

درآمد

حقوق جنائی به بحث از جرم‌ها و کیفرها می‌پردازد. این دوگانگی موضوع موجب شده است که در نام‌گذاری این شاخه از حقوق نیز دو رویکرد کلی را شاهد باشیم. یکم، رویکردی که با تکیه بر ماهیت ضمانت‌اجرای این حوزه از حقوق به نام‌گذاری آن پرداخته است و دوم، رویکردی که با تکیه بر ماهیت تکلیف‌هنجاری موجود در قواعدش بر آن نام نهاده است. طرفداران رویکرد یکم این شاخه از حقوق را حقوق جزائی^۱ یا حقوق کیفری^۲ نامیده‌اند و طرفداران رویکرد دوم آن را حقوق جنائی^۳ خوانده‌اند. بر مبنای همین

mohammadi.q@gmail.com

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۱. به عنوان نمونه، نک: عبدالوهاب حرمند، *الحقوق الجزائیه العامه*، دمشق، الطبعه السادسة: ۱۹۶۳.

۲. به عنوان نمونه، نک: ابراهیم پاد، *حقوق کیفری اختصاصی*، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ

سوم: ۱۳۵۲.

۳. به عنوان نمونه می‌توان به عنوان کتاب دکتر علی‌آبادی اشاره کرد. نک: عبدالحسین علی‌آبادی، *حقوق*

جنائی، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴. البته وی در متن کتاب از اصطلاحات حقوق جزا و حقوق جزائی

نام‌گذاری قواعد این شاخه از حقوق نیز گاه قاعده جزائی، گاه قاعده کیفری و گاه قاعده جنائی نامیده شده‌اند.

الف) حقوق جزائی

اصطلاح حقوق جزائی مبتنی بر ضمانت اجرای قواعد این حوزه از حقوق و شاید برای گریز از اشکالات وارد بر اصطلاح حقوق کیفری^۴ بر ساخته شده است. بدین ترتیب که ابتدا ضمانت اجراهای این دسته از قواعد حقوق (اعم از کیفر و اقدامات تأمینی و تربیتی) جزا نامیده شده‌اند و پس از آن این نام برای نام‌گذاری شاخه حقوقی‌ای که به بررسی این قواعد می‌پردازد به کار بسته شده است.^۵ اما این نام‌گذاری دو اشکال عمده دارد: یک اینکه، کلمه جزا (به معنی پاسخ و پاداش) چه در ریشه عربی و چه در کاربست فارسی‌اش از سویی معنایی گسترده‌تر از کیفر دارد؛ چندان که «جزای خیر» (با معنی پاداش نیک) اصطلاحی متداول در محاورات عربی و فارسی به شمار می‌آید و از سوی دیگر به واسطه معنای واکنشی‌ای که می‌رساند اقدامات تأمینی و تربیتی را که جنبه‌ای پیش‌گیرانه دارند در برنمی‌گیرد.^۶ دو اینکه، وجود پاسخ یا ضمانت اجرا، در تمام شاخه‌های حقوق به عنوان یک مشخصه ماهوی شناخته می‌شود و نمی‌توان آن را ویژگی شاخه خاصی از دانش حقوق دانست.^۷ چندان که برخی حقوقدانان اصطلاح جزا را در قلمرو حقوق مدنی نیز به کار بسته‌اند.^۸

البته به کارگیری اصطلاح‌هایی چون: قوانین جزائی^۹، امر (یا امور) جزائی^{۱۰}، حکم (یا احکام) جزائی^{۱۱}، دادگاه‌های جزائی^{۱۲}، مسئولیت جزائی^{۱۳} و پرونده جزائی^{۱۴} توسط

نیز بهره برده است. همان، ص ۱.

۴. به ویژه اشکال نخستین که درباره آن مطرح خواهیم کرد.

۵. عبدالوهاب حومد، نفس المصدر، ص ۸.

۶. محمود نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات اللبانی: القسم العام (۲ مجلد)، مجلد ۱، بیروت: منشورات

الحلبی الحقوقیه، الطبعة الثالثة: ۱۹۹۸، ص ۶.

۷. عبدالفتاح مصطفی الصیفی، القاعده الجنائیه، بیروت: الشرکه الشرقیه للنشر و التوزیع، ۱۹۶۷، ص ۸.

۸. حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۲، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۰، ص ۱۱۷.

۹. مواد ۳ و ۷ ق.م.ا.

۱۰. ماده ۱۰ ق.م.ا. (امور جزائی) و تبصره ۱ آن (امر جزائی)

۱۱. مواد ۲۱ و ۳۰ ق.م.ا. و ماده ۱۲ ق.آ.د.ک.

۱۲. تبصره ۱ ماده ۱۰.

۱۳. عنوان باب چهارم از کتاب اول (کلیات) ق.م.ا. (حدود مسئولیت جزائی)

قانون‌گذار می‌تواند توجیهی برای استفاده از اصطلاح حقوق جزائی باشد. این توجیه هر چند با اشاره تلویحی‌ای که به اصل قانونی بودن - به عنوان یکی از بنیان‌های حقوق جنائی - دارد، می‌تواند در کسوت استدلالی متین جلوه کند اما چند نکته درباره آن قابل توجه است:

۱. حقوق جنائی در شناسایی جرم و کیفر ملزم به رعایت نظر قانون‌گذار است اما این به معنای متابعت دانشمندان حقوق در تقسیم‌بندی‌ها و نام‌گذاری‌های علمی از قانون‌گذار نیست^{۱۵}؛

۲. استخدام اصطلاح‌های فوق توسط قانون‌گذار ایرادهای یاد شده را نمی‌تواند حل کند؛

۳. قانون‌گذار در به کارگیری اصطلاحات و مفاهیم از دقت علمی برخوردار نیست و واژه‌ها و عبارات او اغلب به معانی عرفی قابل حمل‌اند، نه مصطلحات علمی. برخی حقوقدانان همین ترکیب را به صورت حقوق جزا^{۱۶} به کار گرفته‌اند که این اصطلاح علاوه بر اشکال واژگانی یاد شده با اشکالی ساختی نیز مواجه است. چون واژه جزا ساخت وصفی ندارد و رابطه زبانی میان حقوق و این واژه در اصطلاح «حقوق جزا» رابطه‌ای اضافی (مضاف و مضاف‌الیهی) است از این‌رو تنها به عبارت «حقوق مربوط به جزا» قابل تحلیل بوده نمی‌تواند حقوق را در معنای دانشی ویژه توصیف کند.

ب) حقوق کیفری

برخی حقوقدانان ایرانی اصطلاح حقوق کیفری را برای اشاره به این شاخه از حقوق برگزیده‌اند چندان که برخی از حقوقدانان عرب نیز نام قانون العقوبات^{۱۷} را بر آن نهاده‌اند. این اصطلاح نیز هر چند بر مبنای ضمانت اجرای این شاخه از حقوق ساخته شده است و بدین ترتیب تا حدودی ماهیت این شاخه از مطالعات حقوقی را روشن می‌سازد اما - به

۱۴. ماده ۴ ق.ت.د.ع.ا.

۱۵. عوض محمد، قانون العقوبات: القسم العام، اسکندریه: دار المطبوعات الجامعیه، ۱۹۹۴، ص ۲۹.

۱۶. به عنوان نمونه، نک: محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی (۲ جلد)، تهران: میزان، چاپ ششم: ۱۳۸۲؛ رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ بیستم: ۱۳۸۶؛ محمدعلی معتمد، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.

۱۷. عوض محمد، نفس المصدر؛ محمود نجیب حسنی، نفس المصدر؛ احمد فتحی سرور، اصول قانون العقوبات: القسم العام، قاهره: دارالنهضة العربیه، ۱۹۷۳؛ محمود محمود مصطفی، اصول قانون العقوبات فی الدول العربیه، قاهره: دارالنهضة العربیه، ۱۹۷۰.

- ویژه با توجه به تحولات اخیر حقوق جنائی - دچار اشکالات متعددی است:
۱. کیفر تنها تدبیری نیست که حقوق جنائی به کار می‌بندد بلکه اقدامات تأمینی و تربیتی نیز یکی از مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده حقوق جنائی است، که این عنوان آنها را در بر نمی‌گیرد.^{۱۸}
 ۲. امروزه در قالب راهبردهای پس‌رونده سیاست جنائی^{۱۹}، دولت‌ها با کیفرزدایی از عناوین جنائی می‌کوشند تا با حفظ جرم بودن راه‌حلی غیرکیفری برای پاسخ‌دهی به آنها بیابند.^{۲۰}
 ۳. توجه به پیش‌گیری و جبران آثار جرم که امروزه با عنوان عدالت ترمیمی^{۲۱} دنبال می‌شود حقوق جنائی را به سمت بهره‌گیری از راهکارهای مشارکتی^{۲۲} و حتی گاه قراردادی^{۲۳} پیش می‌برد که بی‌شک گسست این شاخه حقوقی از کیفر را دوجندان می‌کند. با این حال در توجیه این نام‌گذاری سه استدلال را می‌توان مطرح کرد:
 ۱. کیفر به عنوان مهم‌ترین ابزار مورد استفاده این شاخه از حقوق، در این نام‌گذاری به کار گرفته شده است و تصریح بدان نافی دیگر ابزارها و تدبیرها نیست^{۲۴}؛
 ۲. معیار جرم بودن یک عمل، تعیین کیفر قانونی برای آن است از این‌رو این نام‌گذاری کاملاً از ماهیت این شاخه از حقوق حکایت می‌کند^{۲۵}؛
 ۳. قانون‌گذار خود در بسیاری مواقع در اشاره به مباحث این شاخه از حقوق اصطلاح قانون مجازات^{۲۶} یا ترکیب‌هایی چون آئین دادرسی کیفری^{۲۷}، سبج کیفری^{۲۸}، محکومیت

۱۸. محمود نجیب حسینی، نفس‌المصدر، ص ۴.

۱۹. جهت ملاحظه راهبردهای پیش‌رونده و راهبردهای پس‌رونده، نک: می‌ری دلماس مارتی، نظام‌های بزرگ سیاست جنائی، ج ۲، ترجمه: علی حسین نجفی‌ابرنادآبادی، تهران: میزان، چاپ اول: ۱۳۸۷، صص ۹۱-۷۰.
۲۰. برای ملاحظه برخی راه‌حل‌های غیر کیفری، نک: علی صفاری، کیفرشناسی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول: ۱۳۸۶.
۲۱. نک: حسین غلامی، عدالت ترمیمی، تهران: سمت، چاپ اول: ۱۳۸۵.
۲۲. نک: گزارش جرم‌زدایی اروپا، ترجمه: واحد ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضائی، قم: سلسبیل، چاپ نخست: ۱۳۸۴، صص ۱۷۱-۱۱۱.
۲۳. نک: فرانسواز آلت مئس، «قراردادی کردن حقوق کیفری»، ترجمه: رضا فرج‌اللهی، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۴، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۸۸-۱۶۵.
۲۴. احمد فتحی سرور، نفس‌المصدر، صص ۴-۳.
۲۵. عبدالفتاح مصطفی الصیفی، نفس‌المصدر، ص ۵.
۲۶. علاوه بر عنوان کلی قانون، ماده ۵ ق.م.ا.
۲۷. ماده ۲۱ ق.م.ا. و همچنین عنوان قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۱ آن.

کیفری^{۲۹}، مسؤولیت کیفری^{۳۰}، آثار کیفری^{۳۱}، امور کیفری^{۳۲}، دادگاه کیفری^{۳۳}، و تعقیب کیفری^{۳۴} را به کار بسته است.^{۳۵}

اگر از پاسخ استدلال اخیر که در بند قبل گفته شد، در گذریم در پاسخ به استدلال یکم نیز اشاره بدین نکته کافی به نظر می‌رسد که به کار گرفتن یک واژه در معنایی اعم و فراگیر تنها زمانی امکان‌پذیر است که واژه مذکور از نظر لغوی چنین ظرفیتی را داشته باشد حال آنکه کیفر در هیچ معنایی (نه حقیقی و نه مجازی^{۳۶}) نمی‌تواند در بر گیرنده اقدامات تأمینی و تربیتی باشد.^{۳۷}

استدلال دوم که مهم‌ترین توجیه این نام‌گذاری می‌تواند باشد از دو جهت قابل مناقشه است: نخست اینکه، نفس این استدلال حاکی از آن است که موضوع اصلی این شاخه از حقوق نه کیفر بلکه جرم است، چه اینکه کیفر تنها به عنوان عامل شناسایی جرم اهمیت می‌یابد؛ دو اینکه، تعریف جرم به آنچه در قانون برای آن کیفر تعیین شده است، تعریفی شکلی از جرم است که به هیچ روی از ماهیت آن حکایت نمی‌کند و از این رو خود محل مناقشه و تأمل است و نمی‌تواند این نام‌گذاری را بر نام‌گذاری‌های مبتنی بر جرم رجحان بخشد.

شاید طرفداران این نام‌گذاری توجیه دیگری را نیز به استدلال خود بیفزایند، بدین مضمون که این اصطلاح هم حقوق جنائی ماهوی و هم حقوق جنائی شکلی (آئین

۲۸. ماده ۳۲ ق.م.ا.

۲۹. تبصره ۳ ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا.

۳۰. مواد ۴۹ و ۵۱ ق.م.ا.

۳۱. تبصره ۵ ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا.

۳۲. مواد ۵۸ و ۶۲ ق.آ.د.ک.

۳۳. بند و ماده ۳ ق.ت.د.ع.ا. (دادگاه کیفری استان) و ماده ۴ ق.ت.د.ع.ا. (دادگاه‌های کیفری).

۳۴. بندی ماده ۳ ق.ت.د.ع.ا.

۳۵. این مسأله در نام‌گذاری قوانین در کشورهای دیگر مانند لبنان (قانون العقوبات اللبناني) و فرانسه نیز قابل مشاهده است.

۳۶. استعمال لفظ در معنا از سه حال خارج نیست: یا استعمال در معنای موضوع‌له است که بدان حقیقت می‌گویند یا استعمال در معنای غیر موضوع‌له اما مناسب با آن است که آن را مجاز می‌نامند و یا استعمال در معنای غیر مناسب است که غلط می‌شمارند. در این باره، نک: محمدرضا مظفر، *اصول الفقه*، ج ۱، قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الثانية: ۱۴۱۵، ص ۲۷.

۳۷. عبدالفتاح مصطفی الصیفی، *نفس المصدر*، ص ۵؛ جالب اینکه لایحه قانون مجازات اسلامی که کلیات آن در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است در ماده ۱۰-۱۲۱ اقدامات تأمینی و تربیتی را در شمار کیفرها آورده است.

دادرسی جنائی) را در بر می‌گیرد و از این منظر بر بقیه نام‌گذاری‌ها تقدم دارد.^{۳۸} اما این توجیه نیز خود علاوه بر ایراد نخست بالا؛ با این اشکال روبه‌روست که آئین دادرسی رشته‌ای مستقل از حقوق ماهوی است. توضیح اینکه آئین دادرسی چه جنائی و چه مدنی به شیوه عمل نهادهای قضائی می‌پردازد و از این منظر در زمره حقوق عمومی است. این نکته در آئین دادرسی مدنی با توجه به تعلق پرونده‌های موضوع آن به حقوق خصوصی بیشتر خودنمایی می‌کند.^{۳۹}

ج) حقوق جنائی

اصطلاح حقوق جنائی که مبتنی بر ماهیت موضوع این شاخه از حقوق پدید آمده است، چندان که بین ایرانیان رواج دارد توسط برخی حقوقدانان عرب نیز به کار رفته است.^{۴۰} اما این نام نیز با مناقشه‌هایی چند روبه‌رو بوده است:

یک آنکه، جنایت یکی از اقسام سه‌گانه جرم در کنار جنحه و خلاف است و بدین ترتیب شامل همه انواع جرم نمی‌شود.^{۴۱}

دو آنکه، جنایت منصرف به جرم علیه تمامت جسمانی است و حتی در صورت عمومیت، بخشی از جنایت‌ها و جنحه‌ها را شامل می‌شود اما بخش عمده‌ای از جنایت‌ها و جنحه‌ها و همه خلاف‌ها بیرون از دایره شمول آن می‌مانند.

سه آنکه، امروزه تقسیم جرم‌ها به سه نوع مذکور که جنایت یکی از آنهاست در کشور ما به کار نمی‌رود و از این رو اصطلاح جنائی اساساً از هیچ‌یک از انواع جرم حکایت نمی‌کند.

چهار آنکه، منظور از مطالعه جرم بررسی اثر قانونی آن (کیفر) است که این نام‌گذاری هیچ توجیهی بدان ندارد.

در بررسی مناقشه‌های بالا از آخرین مورد آغاز می‌کنیم. در نام‌گذاری نمی‌توان تمام آنچه را در یک دانش مطرح می‌شود متذکر شد بلکه بر اساس موضوع، هدف یا روش مطالعه نامی مناسب برای دانش انتخاب می‌شود حال آنکه کیفر نه موضوع، نه هدف و نه روش مطالعه حقوق جنائی است. در صورتی که جنایت حداقل به نحو موجب جزئیة محور

۳۸. عوض محمد، نفس المصدر، ص ۳.

۳۹. نک: ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار و

بهمن برنا، چاپ شانزدهم: ۱۳۷۲.

۴۰. عبدالفتاح مصطفی الصیفی، نفس المصدر، ص ۶.

۴۱. محمود محمود مصطفی، شرح قانون العقوبات: القسم العام، قاهره: دارالنهضة العربیة، ۱۹۸۴، ص ۳.

اصلی این شاخه از حقوق است.

اشکال سوم در تقابل با اشکال یکم و دوم قرار دارد: صدر آن جایی برای طرح اشکال نخست باقی نمی‌گذارد و ذیل آن مغلوب دقت اشکال دوم می‌شود. چه اینکه از سویی به درستی به عدم کاربرد تقسیم سه‌گانه جرم در حقوق امروز ایران اشاره دارد و از سویی دیگر بر انکار معنای واژگانی جنایت استوار شده است. حال آنکه چه این تقسیم معتبر باشد چه نباشد، جنایت، واژه‌ای است با معنایی مستقل که با توجیه زبانی مناسب قابل بهره‌برداری است.

در پاسخ به اشکال دوم باید توجه داشت که انصراف مورد بحث چندان که در مورد معنای ادعا شده در اشکال یکم نیز صادق است ناشی از استعمال این واژه در معانی یاد شده است و ریشه در موضوع^{۴۲} و واژگانی یا استعمال عرفی آن ندارد. گو اینکه مصطلح فقیهان تأثیری در کاربرد حقوقی آن نداشته و در میان حقوق‌دانان در قالب یک اصطلاح همچنان در عرض جنحه و خلاف فهمیده می‌شود.

اگر بدانچه گفته شد این نکته را بیفزاییم که کاربرد اصطلاحی یک واژه مانع از استفاده از آن در معنای اصلی حقیقی یا معنای اصطلاحی دیگر نمی‌شود، به ویژه با تمایز قلمرو فقه و حقوق و در میان نبودن تقسیمات سه‌گانه جرم‌ها^{۴۲}، این راه هموارتر خواهد بود و ضعف مناقشات وارد شده بر این نام‌گذاری کاملاً آشکار می‌شود.

جنایت در استعمال عرفی حاکی از بزه‌ای سنگین است. چندان که مردم به بسیاری از اقدامات خلاف مروت نیز جنایت می‌گویند. مثلاً اگر کسی مجموعه پوشاک یا غذای مربوط به گروهی کودک بی‌سرپرست را مورد دستبرد قرار دهد یا همسر و فرزند خردسال خود را بی‌نفعه رها کرده و با صرف هزینه‌ای گزاف به دنبال گرفتن همسر دیگری برود در مکالمات عرفی اقدام او به سادگی جنایت خوانده می‌شود، حتی اگر دومی جرم قلمداد نشود. این در حالی است که معنای واژگانی جنایت نیز قریب به همین مضمون است و مطلق جرم را در بر می‌گیرد. لغت‌نامه دهخدا واژه جنایت را در معنای «گناه» و «گناه کردن» آورده و در نقل از کشف اصطلاحات الفنون افزوده است که «جنایت هر فعلی باشد که آن را منع کرده باشند» و سپس به تمام اقسام جرم علیه عرض و ناموس، علیه اموال، علیه نفس و علیه اطراف بدن ... اشاره می‌کند و یک یک مثال می‌آورد^{۴۳}. فرهنگ فارسی معین نیز جنایت را به معنی «گناه کردن»، «بزه کردن»، «تباه‌کاری»، «بزه‌کاری» و «گناه بزرگ» آورده

۴۲. البته لایحه قانون مجازات اسلامی تقسیم سه‌گانه مورد بحث را در ماده ۱-۱۲۲ خود مجدداً احیا کرده

است.

۴۳. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم (دوره جدید): ۱۳۷۷.

است^{۴۴}. این معانی دقیقاً با معنای عربی واژه نیز همخوانی دارد جز آنکه در آنجا این واژه معنای چیدن میوه نیز می‌دهد^{۴۵}. بدین ترتیب مشاهده می‌شود اشکالاتی که بر اصطلاح حقوق جنائی گرفته‌اند ارتباطی با معنای واژگانی جنایت ندارد و تنها بر ذهنیت متأثر از مصطلحات متکی بوده است.

علاوه بر آنچه آمد، باید توجه داشت که در حقوق جنائی افزون بر بررسی جرم و کیفر آن، مفاهیم گوناگونی چون مشارکت، معاونت، مسؤولیت، اسباب اباحه و قصد ... مطرح می‌شود که ذیل عنوان حقوقی جنائی به واسطه ارتباط با جرم قابل ذکر خواهند بود^{۴۶}.

نتیجه‌گیری

به رغم آنکه برخی نویسندگان معتقدند که فرقی میان این مصطلحات نیست^{۴۷} از سویی می‌توان اصطلاح حقوق جزائی را فاقد دقت دانست و از سویی دیگر شاید بتوان دو اصطلاح حقوق کیفری و حقوق جنائی را چندان که در کاربرد اصطلاح سیاست جنائی و سیاست کیفری نیز مشاهده می‌شود^{۴۸} با مفاهیمی که نسبت میان آنها عام و خاص مطلق است به کار برد. به تعبیری گویاتر اگر حقوق جنائی را دانش مطالعه جرم و آثار قانونی آن بدانیم لاجرم کیفر نیز در قلمرو مطالعاتی آن قرار می‌گیرد^{۴۹} حال آنکه اگر این شاخه از حقوق را حقوق کیفری بنامیم و دانشی معطوف به کیفر قلمداد کنیم اساساً وجهه توجه ما از جرم - به عنوان تکلیفی هنجاری - به سوی کیفر - به عنوان نوعی خاص از ضمانت اجرای قانونی - منصرف خواهد شد، که بدین ترتیب دامنه مباحث از منظر عموم و اجزای قانونی - متغیر خواهد بود. نکته‌ای که خود موجب ترجیح اصطلاح حقوق جنائی خواهد بود زیرا با تطوری که پاسخ قانونی به جرم دارد بهتر آن است که نام‌گذاری متکی بر جرم اتفاق افتد و نه متکی بر آثار قانونی آن^{۵۰}.

۴۴. محمد معین، فرهنگ معین، (۶ جلد)، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم: ۱۳۷۱.

۴۵. محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط (۴ مجلد)، بیروت: دارالاحیاء للتراث العربی، ۱۴۱۲.

۴۶. محمود نجیب حسینی، نفس المصدر، ص ۶.

۴۷. مأمون سلامه، قانون العقوبات: القسم العام، قاهره: دارالفکر العربی، الطبعة الثانية: ۱۹۷۶، ص ۶.

۴۸. در این باره، نک: علی حسین نجفی ابرندآبادی، «از سیاست کیفری تا سیاست جنائی (دبیاچه)»، در:

کریستین لازرژ، درآمدی به سیاست جنائی، تهران: میزان، چاپ اول: ۱۳۸۲، صص ۲۲-۹.

۴۹. مصطفی العوجی، القانون الجنائی العام (۲ مجلد)، الجزء الاول: النظریه العامه للجريمه، بیروت: مؤسسه

نوفل، الطبعة الثانية: ۱۹۹۸، ص ۲۰.

۵۰. عبدالفتاح مصطفی الصیفی، نفس المصدر، ص ۷.

حقوق جنائی متضمن مجموعه‌ای از قواعد حقوقی است که جملگی آنها را نیز به مناسبت نامی که برای این شاخه از حقوق برگزیدیم می‌توان قاعده جنائی^{۵۱} نامید و از اصطلاح قاعده جزائی یا قاعده کیفری چشم پوشید.

فهرست منابع

- آلت مئس، فرانسواز، «قراردادی کردن حقوق کیفری»، ترجمه: رضا فرج‌اللهی، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۴، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۸۸-۱۶۵.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی (۲ جلد)، تهران: میزان، چاپ ششم: ۱۳۸۲.
- امامی، حسن، حقوق مدنی، ج ۲، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۰.
- پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم: ۱۳۵۲.
- حسنی، محمود نجیب، شرح قانون العقوبات اللبانی: القسم العام (۲ مجلد)، مجلد ۱، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقية، الطبعة الثالثة: ۱۹۹۸.
- حومد، عبدالوهاب، الحقوق الجزائية العامة، دمشق، الطبعة السادسة: ۱۹۶۳.
- دلماش مارتی، میری، نظام‌های بزرگ سیاست جنائی، ج ۲، ترجمه: علی حسین نجفی‌ابرنادادی، تهران: میزان، چاپ اول: ۱۳۸۷، صص ۹۱-۷۰.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم (دوره جدید): ۱۳۷۷.
- سرور، احمد فتحی، اصول قانون العقوبات: القسم العام، قاهره: دارالنهضة العربیه، ۱۹۷۳.
- سلامه، مأمون، قانون العقوبات: القسم العام، قاهره: دارالفکر العربی، الطبعة الثانية: ۱۹۷۶.
- صفاری، علی، کیفرشناسی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول: ۱۳۸۶.
- الصیفی، عبدالفتاح مصطفی، القاعده الجنائیه، بیروت: الشركة الشرقيه للنشر و التوزيع، ۱۹۶۷.
- علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنائی، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.
- العوجی، مصطفی، القانون الجنائی العام (۲ مجلد)، الجزء الاول: النظریه العامه للجريمه، بیروت: مؤسسه نوفل، الطبعة الثانية: ۱۹۹۸.
- غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، تهران: سمت، چاپ اول: ۱۳۸۵.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط (۴ مجلد)، بیروت: دارالاحیاء للتراث العربی، ۱۴۱۲.
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار و بهمن برنا، چاپ شانزدهم: ۱۳۷۲.
- گزارش جرم‌زدایی اروپا، ترجمه: واحد ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضائی، قم: سلسبیل، چاپ نخست: ۱۳۸۴.

محمد، عوض، **قانون العقوبات: القسم العام**، اسکندریه: دار المطبوعات الجامعیه، ۱۹۹۴.
مصطفی، محمود محمود، **اصول قانون العقوبات فی الدول العربیه**، قاهره: دارالنهضة العربیه، ۱۹۷۰.

مصطفی، محمود محمود، **شرح قانون العقوبات: القسم العام**، قاهره: دارالنهضة العربیه، ۱۹۸۴.
مظفر، محمدرضا، **اصول الفقه**، ج ۱، قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الثانيه: ۱۴۱۵.
معمد، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
معین، محمد، **فرهنگ معین**، (۶ جلد)، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم: ۱۳۷۱.
نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از سیاست کیفری تا سیاست جنائی (دیباچه)»، در: کریستین لازرژ، **درآمدی به سیاست جنائی**، تهران: میزان، چاپ اول: ۱۳۸۲، صص ۲۲-۹.
نوربها، رضا، **زمینه حقوق جزای عمومی**، تهران: گنج دانش، چاپ بیستم: ۱۳۸۶.



On the Title of Criminal Law

Ghassem Mohammadi (Ph. D.)

A branch of law which deals with crime and punishment is titled occasionally criminal law, punitive law and penal law. The latter title is selected on the base of crime examination, while the others are rested on the examination of the punishments. Considering the semantic forms of “Criminal” and the inadequacy of “Penal” to cover overall content of this branch of law, it appears that the term of “Criminal Law” is more appropriate for this research field to be titled with.

Keywords: Punitive Law (Punishment), Criminal Law, Penal Law, Titling, Iranian Penal Code



JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. X, No. 1

2011-1

Articles

- ICC Arbitration Rules on Multiple Parties and Multiple Contracts
- The Concept and the Causes of Divorce in the Legal System of Iran and English Law
- Some Considerations on the Compensation for the Nuclear Damages Based on International Conventions of Nuclear Civil Liability
- The Protection of Traditional Medicine in *Quran* and Islamic Jurisprudence
- Individual and Social Rights in the Criminal Procedures: Some Challenges
- The Concept of Representations in the First Assembly (*Mashruteh*)

Special Issue: 105 Years of Legislation Experience in Iran

- The Protection of the Principle of Transparency by Constitutional Courts
- Law Approach Challenges: Law Validity and Law Reliability
- The Relationship between Rule of Law and Religious Law in *Mashruteh* Legal System
- The Place of Simile in the Process of Codification of Law
- A Brief Study on the Theoretical Foundations of Experimental Legislation
- The Approach of Legislation in Electronic Contracts
- Measuring the Strength of Iran's Patent Rights by Focusing on Iranian Patent Act 2008

Critique and Presentation

- On the Title of Criminal Law
- An Analysis of Judgment of the European Court of Justice in Case of *Fulmen* and *Mahmoudian*: When the Dream of Judicial Review of UN Sanctions Comes True

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study